

سرشناسه • درمیربخش، کامبیز، ۱۳۲۱ -  
عنوان و نام پدیدآور • داستان‌های دیدنی/ کامبیز درمیربخش؛ پیشگفتار جواد مجابی .  
مشخصات نشر • تهران: دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵ .  
مشخصات ظاهری • ۲۰۸ ص.؛ مصور (بخشی رنگی) .  
فروست • هنر.  
شابک • ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴-۷۲-۱  
وضعیت فهرست‌نویسی • فیبا  
موضوع • داستان‌های تصویری - ایران  
موضوع • Graphic novels - Iran  
شناسه افزوده • مجابی، جواد، ۱۳۱۸-  
زده‌بندی کنگره • PIR ۸۳۴۳ / ۲۵۸ ۱۳۹۵  
زده‌بندی دیویی • ۶۲ / ۸۴۳  
شماره کتاب‌شناسی ملی • ۴۲۵۵۱۶۶



**دیدی { گامبیز }  
درم بخش**



انتشارات  
دنیای اقتصاد

**دستان‌های دیدنی  
کاهبیز درم‌بخش**

**ک‌اری از:  
انتشارات دنیای اقتصاد**

مدیر تولید فنی  
انوشه صادقی‌آزاد

مدیر هنری  
حسن کریم‌زاده

مدیر پروژه  
محمود صدری

پیشگفتار  
جواد مجابی

آرایش صفحات / کارگاه گرافیک هیچ

ناظر فنی / علی سجودی

شابک / ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴-۷۲-۱

شمارگان / ۱۱۰ نسخه

نوبت چاپ / اول ۱۳۹۵

لینتوگرافی / نقره‌آبی؛ چاپ و صحافی / شادریگ

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ و متعلق به ناشر است

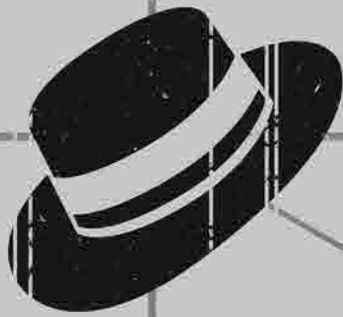
نشانی انتشارات / تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی، ضلع شمال‌غربی میدان شعاع، شماره ۱۰۸، طبقه سوم

تلفن / ۴۲۷۱۰۳۴۱ - دورنگار / ۸۷۷۶۲۷۴۴

نشانی فروشگاه / تهران، خیابان شهید مطهری، بین میرزای شیرازی و سنایی، شماره ۳۷۰

تلفن / ۸۷۷۶۲۷۴۰ - ۴۳

0





**تو جهانی بر خیالی بین روان « جواد مجابی »** نقض غرض خواهد بود کسی بخواند درباره‌ی «داستان‌های دیدنی» که ذاتاً برای دیدن و دریافتن بی‌کلام آفریده شده‌اند، از کلمات مدد گیرد که دیگران با شرح و بسطی، به مفهوم و مضمون آن آفرینه‌ها برسند. این تصاویر با بازی نهفته در معماری خط‌هاشان درک می‌شوند نه با واژگان. ساختاری مستغنی از تأویل و تعریف است و روایت خود را از فهم بی‌واسطه‌ی نشانگان تصویری می‌گیرد، که بین هنرمند و مخاطب مشترک‌اند. نکته‌ی دیگر این‌که کامبیز و اردشیر [محصص] دو بنیان‌گذار کاریکاتور مدرن ما، توانسته‌اند مخاطبان این هنر را از پانویس طرح‌های شوخیانه — که از آغاز پیدایش کاریکاتور در ایران تا دهه‌ی چهل، از لوازم حیاتی کارتون‌های مطبوعاتی بود — برهانند. خاصه که کامبیز، کتاب «بدون شرح» را نیز در تأکید این معنا منتشر کرده است.

پس چه چیز در این دیباچه می‌توان نوشت؟ دیباچه لزوماً متعهد شرح روایت نیست، اما می‌تواند بیانگر تأمل آفرینشکارِ اهل نظر باشد که چگونه صورت می‌بندد؛ اشاراتی در بیان سازوکار هنرمند داشته باشد که لطیفه‌ای پر از نازک‌خیالی را به تماشا در می‌آورد و از سوی دیگر به واکنش بیننده‌ای بیندیشد که با دریافتی طبیعت‌آمیز وارد دنیای ترسیمی پر از احتمالات می‌شود. چگونه می‌توان اهل تماشا بود، هم آن که منظر تماشا را می‌آفریند هم آن که وجه تماشا را می‌بیند و می‌فهمد.

جهان پر از تصویر و خیالِ روان است پیش چشمِ همگان. در نگاه هنرمند، آدمیان و جانور و اشیاء، حاوی ارتباطات و معناهای نادیده و ناشناخته‌اند که دیگرانش نمی‌بینند یا از آن غافلند. هرچه در این عالم، اعم از دیدنی و نادیدنی، واقعیت و رویا، وهم و فکر، می‌تواند بدل به اثر هنری شود و می‌توان گفت خود اثر هنری است؛ کافی است نگاهی آفریننده، تصاویر مرتبط معنادار را انتخاب کند و در معرض تماشا در آورد. حتی عناصر نامرتب، ترکیب‌های ناساز و ناهمگن، حس‌های متضاد و هرچه آشتی‌ناپذیر، در حیطه‌ی تفکر و خیال هنرمند با یکدیگر هم‌خوانی می‌یابند و به وحدتی متکثر می‌رسند که در هنر امکان‌پذیر است که هنر وجه دیگری از رویاست.

شرط این کار، حساسیت نادر و مهارت هنری و ادراک فرهنگی یکتاست که بتواند هرچه را می‌بیند به شکل ترکیب‌بند ذهن خود سامان دهد و نهانی‌های دور از چشم دیگران را پیش نگاه آنان عیان سازد. درست مثل امواجی که در هوا فرستاده می‌شود و منتشر است، گیرنده‌های دیداری آن را در چشم و گوش ما به تصویر و بیان تبدیل می‌کنند. خیال، امری نیست، وش و تجریدی است، ناپایدار و تغییرشکل‌یابنده است، در عالم هنرهای تجسمی — و اینجا اختصاصاً کارتون — ذهن خلاق و انگشتان ماهر آفرینشگر، می‌تواند آن نادیدنی گریزنده را شکار کند، زندگی تازه‌ای بخشد که خیال به واقعیت، رویای رمنده به موجودی دیداری و پایدار، تغییر وضعیت دهد.

کامبیز با طبیعت طنز و ریزینش، به راحتی هر خیال پُرآن و رویای ناممکن را می‌تواند شکار کند، شادمانه و با حوصله، هر ناموجود را موجود می‌سازد و احتمالات را صورتی ممکن و پذیرفتنی می‌بخشد. این



را با خوی طبیعت آمیزش به راحتی انجام می‌دهد، از این روش لذتی یگانه در جان خویش احساس می‌کند که دوست دارد پاره‌ای از آن شادمانگی را به ما هدیه کند. صفحه‌ی کاغذ او اگرچه محاط در صحیفه‌ی ایام است اما با طرح‌های شگرفی که خلق می‌کند، صفحه‌ی خیالات ترسیم‌شده‌اش به پهنای جهان واقع، بزرگ و جادار می‌شود که هرچه را در آن می‌توان یافت از اندوه و شادی و عشق و مرگ و رویا، همچنین مضحکه‌ی فاجعه‌آمیز روابط انسان با خود، با دیگران، با جهان.

دیرگاهی است کامبیز از دریچه‌ی آرزوی مانای بشری که عشق و مدارا و همزیستی است، به جهان آدمیان می‌نگرد، از ارتفاعی بلند و گستره‌ای فراگیر. سال‌هاست که دیگر به سیاق «مینیاتورهای سیاه» بیننده را به داوری تلخ و تند برنمی‌انگیزد، بلکه هم ذهنی صلح‌آمیز زیبا را که از لبخند شفقت‌آمیز زاده می‌شود یادآور می‌شود. به ملامطت، پرده از چهره جهان عبوس پس می‌زند، با پس زدن نقاب‌ها، رنگ‌های خشونت و جهالت و تعصب از رخدیس‌ها فرو می‌افتد و خطوط دلاویز دنیایی که زیننده‌ی انسان مدنی عاشق و خردورز است در چشم‌انداز آثارش به تماشا در می‌آید. در این تماشا، پالایش می‌یابیم، لبخند می‌زنیم، از تنگ‌نظری و کین‌توزی و خودشیفتگی رها می‌شویم، خود را در آینه‌ی دیگران می‌بینیم و از بلاهت فوق‌سنگینی که قامت‌هامان را خم کرده آزاد می‌شویم. در این وانفسا هنر یعنی همین!

اثر هنری به‌خاطر مفاهیم بدیعی که پدید آورده و در خود گنجانده، ماندگار می‌شود. اگر این «داستان‌های دیدنی» اما شرح‌ناکردنی نبود، این معانی، پس پرده‌ی غیب می‌ماندند؛ حضورشان را حس می‌کردیم اما نمی‌دیدیمشان و بیانشان نمی‌توانستیم کرد؛ این سنگینی تحمل‌ناپذیر، ما را به تشویش و حسرت می‌کشاند. کامبیز به یاری ما آمده است، آنچه را لازم بوده از غیب همین عالم، از دل ناشناخته‌های روزگار ما بیرون کشیده، پیش چشم سر و چشم دل ما آورده است، معناهای پُران را در طرح‌های شاعرانه‌اش به ما بخشیده، دنیا و روزگار را برای ما تحمل‌پذیر و سبکبار کرده است.

این‌که نوشتم "طرح‌های شاعرانه"، از سنخ تعارف‌های روزمره نیست، این‌ها شعرهایی هستند که با خط سروده شده‌اند و هر اثر والا در ایران را ما با هنر ملی‌مان که شعر است قیاس می‌کنیم.

هنرمند ژرف‌اندیش، کارکرد هنر را ثبت معانی پُران و رمنده‌ی این عالم می‌شناسد و می‌داند که معانی و مضمون‌ها اگر ثبت نشوند، در شعری، طرحی، بیانی، از نظر و منظر می‌گریزند و بدون ثبت آن‌ها با دنیایی محروم از معنای ماندگار روبه‌رویم.

«خُمُش کن، شعر می‌ماند و پُران است معناها، پر از معنا بُدی عالم اگر معنا پیاپیستی.»

کامبیز، این شکارچی حالات ناممکن و احتمالات رویایی، با افزودن طرح‌های چریدستانه و زیبایش به میراث بشری، مانند نیای عالی‌قدر خود، جلال‌الدین محمد، هرچه را به پیرامون خود بدل به هنر کرده و از آن همه مفاهیم گریزنده و زیبا در دنیا، هرچه توانسته گرفته و شادخویانه به ما نمایانده است. او صیاد همیشگی خیال‌های گریزان خندستانی است که نقد اجتماعی، لابه‌لای تور ظریف آثارش پیدا و پنهان است. ||\_ اول مهر ۱۳۹۴ / کوی نویسندگان.



